**مصاحبه با MEWPrivateKabul250718**

**تاریخ 25 جولای 2018**

**مصاحبه ده محل کار**

ک: معرفی مختصر از نقش تان؟

MEWPrivateKabul250718: نام مه [نام شخص] مه معاون شرکت [نام شرکت] هستم. فعلا وظیفه ی مه مشخصا ده داخل چوکات شرکت منحیث رییس اجرایی شرکت یا سی.یی.اوی شرکت هستم که تمام امورات و فعالیت ها ره به پیش می برم. مه از هندوستان تحصیل کردیم. ده بخش اقتصاد و مدیریت [...] یی.کو یا بچیلر ان کامرس [bachelor in commerce]. دیگه فعلا هم ده همینجه مصروف وظیفه ی خود هستم.

ک: شرکت چه تعداد کارگر داره؟

MEWPrivateKabul250718: شرکت ما فعلا حدود 150 تا 551 نفر. بعضی وقت ها 20 نفر یا 30 بیشتر میشه به شکل اجاره. زمانی که نیاز میشه به شکل اجاره برای 10 روز 20 روز 5 روز و حتا یکی، دو روز، به شکل اجازه می آیند. اما کارمندهای دایمی و استخدام‌شده ی ما از 150 الی 155 نفر میرسه.

ک: باز ده این جمع چه تعدادشان کارگرهای حرفوی هستند و چه تعداد شاگردهای داخل فابریکه هستن؟

MEWPrivateKabul250718: ما اصطلاحی داریم به نام فورمن [foreman]، چارج-من [chargeman] یا کس هایی که حرفوی هستن. اونها تعدادشان محدود اس. شاید حدودِ 20 الی 30 نفر کس هایی باشند که ده رأس کار اس که اداره ی کارها ره پیش می برن. بعد از او باز تعداد زیادتر کارگرهای ما فقط تا یک حدی حرفوی هستن، نیمه حرفوی هستن و ده یک کار مخصوص [...] مثل ده میل [mill] کار کردن یا ولدنگ کردن یا بخش ورکشاپ ما خرادی ره پیش ببرند، ده همین ها بلد هستن. و تعداد زیادشان باز باز لیبر اس که یک کار مخصوص ره روزمره پیش می برند.

ک: و این کارگرها ماهانه معاش می گیرند به اساس یک قرارداد؟

MEWPrivateKabul250718: کارگرهای شرکت های میل یا ستیل مل که اس معمولا شفت هایشان 12 ساعت اس. 12 ساعت کار می کنن. این میشه که به شکل ساعت برایشان معاش بتیم یا به شکل تیکه. ما یک اصطلاحی داریم به نام تیکه که یک بخشی از کارمان را به یک فورمن تحویل میدهیم که زیر دست او 50 الی 60 نفر یا 30 [مثلا] میباشه که همو تیکه ره او میبره. او می فهمه و امورات معاشات و مسایل دیگرشان ره همو تیکه‌دار با کارگرهای خود پیش می بره.

ک: کارگرهای که شما مستقیم معاش می دهید چند معاش می دهید ماهانه؟

MEWPrivateKabul250718: کارگرهای که مستقم معاش می دهیم فرق می کنه نظر به موقعیت شغلی. بخش اداری معاشات شان مشخص اس و ده بخش های که فنی اس. تا سطح فورمن ما معاشات شان حدودا، حتا یک لک افغانی هم میرسه، ماهوار. ده بخش های دیگر نسبتا کم. نظر به وظیفه یشان. معاشات از یک لک افغانی که فورمن یا سرکارگرشان اس بالآخره به 8 هزار افغانی تمام میشه.

ک: کارگرهای عادی؟

MEWPrivateKabul250718: بله. به 8 هزار و 7 هزار.

ک: فیصدی کس های 8 هزار و 7 هزار معاش می گیرند چقدر اس ده بین کارمندهای شما؟

MEWPrivateKabul250718: فیصدی شان زیاد مشخص نیس. گفتم که کارمند فنی ما محدود داریم. حدود 20 یا 30 نفر شاید باشه. کس های که فنی استن. متباقی تمامشان کارگرهای عادی هستن.

ک: شرکت چگونه تولید؟ با دست، دست و ماشین، نیمه اتومات یا کاملا اتومات؟

MEWPrivateKabul250718: کار ما بیشتر متمرکز اس به کار دست. یا کار کارگرهای ما. که پروسه ی کار ما از سورتنگ [sorting] سکرپ [scrape به گویش پشتو] یا آهن داغمه شروع میشه که آهن داغمه ره ما سورت می کنیم از هم جدا می سازیم. مثلا چدن یا بعضی عناصر دیگر آهن هستند که آنها برای تولید سیخ مناسب نیستن آنها ره از پیش‌شان جدا می کنیم. یا حتا سکرپ افغانستان تا حد مواد انفجاری هم داره که کارتوس یا مواد انفجار از سابق مانده. آنها باید از پیش شان درو شوه که ده کوره ی ذوب ما انفجار نکنه.

اولین پروسه ی ما از سورتنگ ما شروع میشه. همو آهنی مورد نیاز ما بعد به فرنس یا کوره ی ذوب ما که او اندکشن فرنس گفته میشه به او ریخته میشه و ذوب میشه. بعد از ذوب شدن همین توسط لیدل انتقال میشه، لیدل یا دیگی که این ره انتقال میته. آهن ذوب‌شده ره. بعد ده قالب ها یا مولدها ریخت میشه. این پروسه ی کاستن [casting] است. بعد از او همو بلیتی که حاصل شده او ره ده هیتنگ فرنس [heating furnace] می گذاریم برای دوباره داغ شدن. ما وقتی که از سکرپ او ره ذوب کردیم و او ره شکل دادیم، او ره بلیت میگیم یا ingot میگن به انگلیسی که ما او ره شمش میگیم به اصطلاح ایرانی، به شکل شمس [شمش] تبدیل میشه. شمش ره ما می گیریم ده ری-هیتنگ فرنس می مانیم که باز دوباره گرم میشه و باز به رولنگ مل [rolling mill] میره که بالآخره همو پروسه ی سیخ‌سازی سرشان شروع میشه.

دیگه بعد از او قطع میشه، لیبل میشه و بندل میشه و بالآخره بارگیری میشه.

ک: شما باز به شکل تُن می فروشید؟ سطح تولیداتتان ده چی حد اس؟

MEWPrivateKabul250718: سطح تولیدات ما فرق می کنه. مه سیزن های خوب داریم چون کار ما مربوط به کار ساختمان اس. ده افغانستان معمولا ده زمستان کار ساختمان نمیشه. ما حتا تعطیل می باشیم چون بازار تقاضا نداره. ده موسم های مختلف نرخشان متفاوت اس خو تأثیرگذار بالای نرخ ما بیشتر سیخ های خارجی اس. ها سیخ های که از ازبکستان یا ایران می آیه اینها بیشتر بالای نرخ ما تأثیرگذار اس.

ک: پیش‌تولید دارید یا به اساس سفارش تولید می کنید؟

MEWPrivateKabul250718: تولید ما دوامدار اس چرا که پرسونلی که داریم معاش ماهوار می گیرن ده هر صورتش. اگه تولید باشه یا نباشه. پس ما تولید دوامدار داریم. میشه یک وقتی بازار یا سیزن نباشه یک چیزی سر ما ستوک میشه غیر از او مستقیم تولید روزمره جریان داره و فروشات میشه.

ک: خریدارها دایمی هستند؟ کس های که شما همیشه با آنها ده ارتباط هستید؟

MEWPrivateKabul250718: خریدارهای ما معمولا شرکت های عمده فروش هستن. کس های که به شکل عمده یا پرچون می فروشن. ما [اما] به شکل عمده سرشان می فروشیم. به شکل پرچون زیاد نمی فروشیم. باز آنها [شرکت های مشتری ما] میتانن که او ره به شکل پرچون [هم] بفروشند. و همین دکاندارهای سیخ فروش هستن.

ک: اما رابطه یتان دایمی اس هر گاه تغییر می خوره؟ معمولا یک لستی از خریدارها دارید که می آیند می خرند؟

MEWPrivateKabul250718: ما از ده افغانستان ثبات زیاد نداریم. از نگاه بازار، از نگاه فروشات از نگاه مارکیت. بعضی وقت مارکیت ها کم و بیش [...] مثلا ما طرف جلال آباد مارکیتی خیلی خوب داریم. بعضی وقت ها این مارکیت به 70 تا 80 درصد میرسه. ولی وقتی که مارکیت نظر به هوای او ولایت [تغییر می خوره] و حتا مشکلات امنیتی که ده یک ولایت تأثیر می کنه، فروشات ما بیخی کم میشه. ده یک ولایت زیاد میشه. همه مشتری های ما تقریبا مشخص هستن.

ک: فروشات به نقد یا اوگرایی؟

MEWPrivateKabul250718: ما خو کوشش نقده می کنیم [خنده] اما بازار افغانستان چیزی که معمول اس همو رواج داره. تا حدی [فروشات ما] اوگرایی اس. اما کوشش می کنیم اوگرایی نشه، چیز قیمت پایین‌تر بفروشیم اما نقد. کوشش ما بیشتر نقد اس اما بعضی مشتری های خوبی داریم که یک رابطه ی خوبی ایجاد کرده ایم با هم. آنها می فهمند و موضوع ره درک کرده می توانن. باز به آنها میتانیم که یک چیزی بیشتر سیستم اوگرایی ره پیش ببریم. اما [اوگرایی] محدود اس.

ک: ظرفیت تولیدی شما ده یک روز چقدر اس؟

MEWPrivateKabul250718: به 80 تا 90 تُن در روزی میرسه، به صورت اوسط. اما در صورتی که ما برق 24 داشته باشیم و سکرپ کافی داشته باشیم برای ذوب. اما نظر به مشکلات ما این اورج تولید ره هیچ وقتی [برآورده نمیتانیم].

ک: حالی فعلا چقدر تولید می کنیم؟

MEWPrivateKabul250718: فعلا 40 الی 50 تُن ده روزی تولید می کنیم.

ک: ده ایجاد شرکت، منبع سرمایه: شخصی، بودجه دولت، کمک ان.جی.او، قرضه ی بانک یا قرضه ی دوره ای اجتماع؟

MEWPrivateKabul250718: موضوع پولی ما از بسیار قدیم اس. به خاطری که ما زمان انقلاب ها [جنگ ها] به پاکستان هجرت کرده بودیم. همونجه ای کسب ره یاد گرفتیم. تخنیک آهن و ورکشاپ و همثال این مسایل ها ره یاد گرفتیم. از آنجا بالآخره به کابل آمدیم. ما یک فابریکه ی دیگری داریم به نام [نام شرکت خدماتی] که او اساس و تهداب ما ده افغانستان اس که آغاز فعالیت ما بود. و برای او ما سرمایه ره از پاکستان آوردیم. یعنی زمانی که ما مهاجر بودیم همونجه کسب و کار ره هم یاد گرفتیم و سرمایه هم پیدا کردیم و بالآخره ما ده افغانستان به نام [نام شرکت خدماتی] فابریکه جور کردیم. هم این فابریکه باعث شد که ما امروز فابریکه ی [نام فابریکه ذوب آهن] ره داریم.

ک: [شرکت خدماتی] ده کدام بخش مصروف اس؟

MEWPrivateKabul250718: بیشتر ده بخش های تخنیکی مصروف اس. ده بخش های تخنیکی که مخصوص آهن اس. مثلا پارتز یا پرزه‌جات یا مثلا پله های کرش همو ماشین های که کرش می کنه و سنگ می شکنانه، جغل جور می کنه. اینها ره جور می کردن. گلونایز، ریخت ذوب، ده همین بخش های مختلف فعلایت داره.

ک: ده چی سطحی پول مصرف کردید برای ایجاد این شرکت [شرکت ذوب]؟ سرمایه ی غیرقابل انتقال؟

MEWPrivateKabul250718: ما دو نوع سرمایه داریم که یکی ثابت اس که از تأسیسات و ماشینری و پلانت هایم ما اس و یونت های ما اس. یکی هم سرمایه ی دورانی ما اس. فکر کنم که به گونه ی جمعی سرمایه ی شرکت به بیشتر از 4 میلیون میرسه. و نصف سرمایه یش ثابت اس. نصفش دورانی.

ک: اتحادیه صنعتی؟

MEWPrivateKabul250718: بله ما عضو اتحادیه ی ذوب آهن افغانستان هستیم. اتحادیه ای که جدیدا تأسیس شده و فکر کنم امسال سال دومشان اس. و عضویت ده انجمن صنایع افغانستانه هم داریم.

ک: عضویت کمکی کرده به شکل مستقیم بالای سطح تولید، درسترسی به مواد خام، فروشات، تأثیر داشته؟

MEWPrivateKabul250718: عضویت ده بخش فروشات یا ده امورات روزمره ی ما کدام تأثیر نداره اما رفع بعضی مشکلات عمومی صنعتکاران که از قبیل برق باشه یا سرک یا امنیت یا بعضی موضوعاتی که اذیت کننده باشه به صنعتکاران، روی این موضوعات کار میتانه بکنه.

یا بعضی وقت ها که ما از دولت کدام تقاضایی داشته باشیم یا مخصوص کدام سکتور باشه یا ده امور صنعت باشه، ده همو حساب برای ما عضویت ده همین اتحادیه ها میتان مفید باشه.

ک: چند سال اس شرکت فعال اس؟

MEWPrivateKabul250718: شرکت ما حدودا 3، 4 سال پیش ما بینادشه گذاشتیم و یک سال میشه که رسما تولیده شروع کردیم. خو حدود یک سال بلکه کمتر.

ک: ده وقت فراغت چی می کنید؟ چی می کردید قبلا؟

MEWPrivateKabul250718: مه از زمان بسیار وقت مصروف کار بودیم. حتا ده پاکستان ده سن بسیار کم به شرکت می آمدم و ده بخش های تخنیکی شرکت یک چیزی یاد می گرفتم و مصروف بودم. و بعدا برای تحصیل به هندوستان رفتیم. بعد از تحصیل هم فعلا همینجه کابل هستم. فقط روزهای جمعه مه تفریح دارم. غیر از روز جمعه دیگه روزها مه از صبح تا عصر ره ده شرکت. بعد از عصر به امورات خانه ی خود رسیدگی می کنم. وقت تفریح اصلا نیسته!

ک: روز جمعه؟

MEWPrivateKabul250718: روز جمعه معمولا کوشش می کنم بیشتر از شهر کابل بیرون برآییم. یک جای تفریحی بروم. جای که امنیت باشه حد اقل. تهدید احساس نکنیم. کوشش می کنیم از شهر کابل بیرون برآییم.

ک: یک بار ازدواج کرده اید یا چند بار؟

MEWPrivateKabul250718: فعلا یک بار [خنده].

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

MEWPrivateKabul250718: بله. کتابه میخانیم. مه دوست دارم کتاب بخوانم. اما نظر به مصروفیت هایم نمیتانم زیاد وقته به کتاب و اینها بتم چون عملا زندگی این قدر سخت اس که به مسایل نظری [عملی و نظری] برای تقویه ی مطالعات مه وقت نمیته.

ک: موسیقی: افغانی، غربی، هند؟

MEWPrivateKabul250718: موسیقی غربی ره دوست دارم. به صدای بلند دوست دارم. به خصوص که ده موتر باشم. موسیقی افغانی غزل، به خصوص که آرام باشه. موسیقی وسط ره دوست ندارم. موسیقی یا باید بلند باشه یا غزل باشه، آرام. لایف [live] آرام ره دوست دارم.

ک: تصویر موقعیت مالی تان از نظر خود و مردم: پولدار، مرفه، متوسط، کمدار و فقیر؟

MEWPrivateKabul250718: فکر می کنم که نظر به وضعیت اقتصادی افغانستان و مردم ما، زمانی که خوده مقایسه می کنیم فکر می کنم از نگاه مالی خوب هستیم و شرایط بهتر داریم. حتا بعضی وقت ها همین وضعیت مالی ما منجر به تهدیدات امنیتی میشه، برای ما. که نیاز به سیکورتی داریم. چون ده افغانستان پولدار شدن هم سخت اس.

ک: مردم هم تصورشان همین اس که شما پولدار هستید؟

MEWPrivateKabul250718: ما تلاش می کنم ده این افغانستان ساده باشیم که مردم تصور پولدار بودنه نداشته باشن. اما چون امنیت بسیار خراب اس و [از خرابی امنیت] کس های که کار دارند می فهمند. ها! آنها می فهمند.

ک: تحصیلاتتان ره گفتید B.Com از هند.

ک: فعلا ده کدام نقطه ی شهر؟

MEWPrivateKabul250718: ناحیه ی هشتم شهر کابل. ده منطقه شاه شهید.

ک: قبلا هم همینجه بودید؟

MEWPrivateKabul250718: قبلا هم. چندین سال پیش باز ارزان قیمت بود. از او پیش خیرخانه بود.

ک: اطفال به مکتب خصوصی میرن یا دولتی؟

MEWPrivateKabul250718: مه یک طفلی دارم که کودکستان میره.

ک: برای ایجاد شرکت: اعضای فامیل، دوست ها، خویش و اقارب، اعضای جامعه، همقومی ها، کی ها کمک کردند؟

MEWPrivateKabul250718: قسمی که گفتم ما میتانیم بزنس خوده بگوییم که فامیلی بزنس اس. چون از زمان مهاجرت که ما یک فامیل که شش برادر هستیم که حالی یک برادر فعلا جدا شده، و 5 برادر با هم هستیم. مشترکا کار می کنیم. و یک بانک [حساب بانکی] داریم یعنی سیستم مالی ما مشترک اس و سرمایه گذاری ما مشرک است. [کدام] شریک بیرونی نداریم.

ک: پس بیشتر اعضای فامیل کمک کردند؟

MEWPrivateKabul250718: بله اعضای فامیل.

ک: چند موتر دارید؟

MEWPrivateKabul250718: فعلا یک موتر داریم شخصی. ده خانواده جمله 4 موتر اس که برای برادرهایم هستم.

ک: مودل موترها باز چی اس؟

MEWPrivateKabul250718: 2008 روفور اس.

ک: حج هم رفته اید؟

MEWPrivateKabul250718: مه حج عمره رفتیم.

ک: به سفرهای تفریحی کجا می روید؟

MEWPrivateKabul250718: مه چون تحصیلم ده هند اس با هند بیشتر راحت هستم. از نگاه کلچر و زبان شان و در آنجا زندگی کردیم با مردم شان عادت داریم و بیشتر هنده دوست دارم سفر کنم.

ک: خانه چند باب دارید؟

MEWPrivateKabul250718: فعلا یک دانه که همو هم مشترک اس.

ک: که از برکت کار صنعت به وجود آمده؟

MEWPrivateKabul250718: بله بله.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بدهید؟

MEWPrivateKabul250718: مه زیاد دوست داشتم و خوش دارم با قشر تحصیل کرده دوست باشم. و فعلا متأسفانه تعداد زیادی از دوست های خوده از دست دادیم. از دست نی بلکه مهاجر شده اند. رفته اند اروپا، کانادا، امریکا. زیادتر دوست های مه ده خارج زندگی می کنه. دوست های که همینجه داریم یا وظیفه می کنن یا بزنس خوده دارن.

ک: مسایل امنیتی به گونه مستقیم؟

MEWPrivateKabul250718: بسیار مهم اس چون حتا روی مارکیت های ما تأثیر داره. زمانی که انفجارات میشه مثلا ده شاه شهید انفجارات شده بود پارسال برای یک ماه ما بازار نداشتیم. چندین انفجارهای دیگری هم که شده روی فروشات ما، روی نرخ های ما، روی تمامی موضوعات بسیار تأثیر می کنه.

ده پارک های صنعتی هراس از موضوع اختتاف داریم. هراس از مسایل ناامنی یا خدای ناخواسته ترور و اینها هسته. خو الحمدالله ما با کسی خصومتی نداریم. تا فعلا شاهد کدام واقعه ای نبوده ایم که مستقیما بالای کار و بار مه یا زندگی شخصی مه تأثیرگذار بوده باشه.

ک: تصمیم گیری ده شرکت؟

MEWPrivateKabul250718: ما گفتیم که یک شرکت دیگری هم داریم به نام [نام شرکت] که یک برادر ما ده اونجه هم مصروف اس. مه اینجه مصروف هستم. و حالی ده حال ساخت یک فابریکه ی دیگری هم هستیم. و هر کسی ما یک بخش ره اداره می کنه ولی وقتی که یک تصمیمی بالاتر از فابریکه ی خود می گیریم، مشوره با برادرهای ما و کس های که دوست های نزدیک ما ده شرکت اس، یا به سطح بالات همراه ما همکار هستن داخل شرکت، با آنها مشوره میشه. و داخل شرکت، هر تصمیمی که مربوط به [نام شرکت ذوب] میشه تمامی تصامیم مربوط به مه میشه. تصمیم ره مه خودم می گیریم. تصمیمی که ده [شرکت ذوب] می گیریم به شکل پیشنهاد برای ما می آیه، از فورمن و از کارگر و از نقاط مختلف شرکت. اگه کدام مشکلی یا کدام چیزی ره می بینند که شرکت توسعه پیدا کنه یا برای رفع کدام مشکلات ما کدام کاری که باید صورت بگیره، از پایین به بالا برای مه پیشنهاد میشه و بالآخره عملی میشه.

ک: به شاگردها برعلاوه ی معاش چی امتیازهایی داده میشه؟ سه وقت نان، جای بود و باش، بیمه صحی و اینها وجود داره؟

MEWPrivateKabul250718: بیمه ی صحی مه خودم هم ندارم [خنده]. کارگرهای ما اصلا بیمه ندارن. شرکت ما بیمه نداره. سرمایه ی ما بیمه نداره. صحت ما بیمه نداره. بیمه ده افغانستان موجود نیس. به شکل کلی.

اما ما برای کارگرهای خود چون شفت ما 12 ساعت اس، بعضی وقت بیشتر از 12 ساعت کار می کنن که اوور تایم [over time] خوده می گیرن، تمام کارگرهای ما همینجه اکومودیشن [accommodation] دارن. سه تایم غذ از طرف اداره ی شرکت داده میشه. رخصتی های عید اس. شیرینی عیدی و بعضی مسایل های دیگه. همچنین شامل امتیازهای کارمندهای ما اس.

[مزاحمت – قطع وسیله ی ثبت و ثبت با تلیفون]

ک: شاگردها شامل کدام اتحادیه ای نیستند؟

MEWPrivateKabul250718: اینجه یک موسسه ای اس به نام "امکا" که از حقوق کارمندها دفاع می کنه. اکثر اعضای فابریکه ی ما اعضای همین امکا هستن.

ک: امکا اینجه فعال اس و می آیند نظارت می کنن؟

MEWPrivateKabul250718: فکر نکنم زیاد خوب بتانه از کارگرها دفاع کنه. اما تا یک حدی فعالیت می کنه. بعضی کنفرانس ها می گیره، سیمنارهای می گیره. روز کارگر ره تجلیل می کنه. امثال همین کارها. اما به شکلی که مستقیما تأثیرگذار بوده و به گونه مستقیم از حقوق کارمندها دفاع کنه نیس. نمیتانه.

ک: تصمیم گیرنده ها همه از افغانستان هستند؟

MEWPrivateKabul250718: بله.

ک: رابطه یتان با دیگه شرکت های که ده کار سیخ گول مصروف هستند چیست؟

MEWPrivateKabul250718: ما فضل خدا رابطه ی خیلی خوبی داریم با دیگه شرکت های که ده همین بخش فعالیت دارن. رابطه ی ما حسنه اس. چون ده افغانستان صنعت یک چیز نو اس و اینجه هیچ کسی نمیتانه که از خود پوره باشه [از خود همه چیز ره داشته باشه] حتما به یکدیگر خود نیاز دارند. ما هم به همی شکلش [...] زمانی که به کمکی نیاز داشته باشیم فابریکه های دیگه اس که همراه ما همکاری می کنه. زمانی که آنها به کمک نیاز داشته باشند ما همراهشان همکار هستیم. رابطه ی حسنه داریم [در کل]

ک: رقابت چی؟

MEWPrivateKabul250718: فکر کنم رقابت ده افغانستان معمولا منفی گرفته میشه [تصور میشه] یعنی مه تصوری که از رقابت داریم باید روی کمیت و کیفیت باشه. که کیفیت خوب شوه و [اندازه ی] تولید ما ره بیشتر ببریم و روی بعضی مصارفی که ده پروسه ی تولید اس روی اینها کار شده تا ما بازار ره خوب کوور [cover] کنیم و یک چیزِ با کیفیت بتیم.

ولی ده افغانستان رقابت بیشتر روی قیمت اس. اگه کسی با شما بخواهه رقابت کنه قیمت جنس [...] یعنی ما تولید سیخ گول داریم، قیمت سیخ ره پایین میارن. یعنی یک رقابت متفاوت اس. این یک موضوع.

دیگه بیشتر رقابت ما ده حد داخلی زیاد هم قابل بحث نیس. چون رقیب های اصلی ما سیخ های خارجی اس که برایتان گفتم از تاشکنت و از ایران که بیشتر ده افغانستان فعالیت دارند، متوجه ما اس.

ک: ده قسمت کمک های دولت؟ مشوره ده قسمت فرصت یابی سرمایه گذاری، دسترسی به مواد خام و معلومات بازار؟

MEWPrivateKabul250718: ما از فعالان صنعت از بسیار وقت هستیم. چون فابریکه ی [نام شرکت اولی که قبلا به اشتباه خدماتی نوشتم] که مه گفتم بیشتر از 23 سال میشه که بنیاد و اساس ما اس و ده افغانستان فعالیت داره و فعلا هم فعال اس. ما تولیدات بسیار زیادی داشتیم که با یو.اس.آرمی کورپس اوف انجنیرنگ [US Army Corps Engineering] کار کرده ایم و موسسات خارجی و داخلی و دولتی. با هر کسی کار کرده ایم.

ما ده این دولت اصلا یک اداره ای ره ندیدیم که با ما همکاری شوه. ده هیچ راستایی. حتا ده حد [نامفهوم]. اکثرا مشکلات ما را نادیده [...] مشکلاتی که دولت از عهده یشان برآمده میتانه. [اما] دولت به مشکلات ما جواب نمیگه. فقط جواز میتن و جواز ره هم به شکلی میتن که از ما حساب بگیرن. یعنی جواز کدام امتیاز دیگری نداره و برای ما یک درد سر و مشکل اس. و از طرف دولت ما کدام همکاری ره شاهد نبودیم ده طول این زمان.

چون زمانی که ما ده اتحادیه بودیم و پیش از این که [شرکت ذوب] ره افتتاح کنیم از کشور تاجیکستان و از اتحادیه ی صنعتی تاجیکستان اینجه آمده بودن که هر کسی که می خواهه ده تاجیکستان فعالیت صنعتی داشته باشه، یا فابریکه جور کنه، برایشان ما برای 99 سال زمین میتیم. ما سرک میتیم، برق میتیم، تمام امکاناته برایشان میتیم. اما 51 باید پرسونل خارجی ره [...] یعنی تاجیکی ره باید جذب کنه. بیشتر از 51 فیصد. یعنی با یک شرط بسیار معقول شان برای ما زمینه ساز فعالیت صنعتی بودند. ده هر حصه ای که ما می خواستیم فعالیت کنیم. اما ده افغانستان برعکس اس. زمانی که ما برق می گیریم [مثلا] با صد مشکلات دچار هستیم. برق گرفتن ما بسیار مشکل اس! فساد بسیار زیاد موجود اس. جواز گرفتن ما هم همین طور. زمینه که ما می گیریم و یا مثال سیستم کانالیزاسیون ندارن اصلا، ده پارک های صنعتی. همین آب خوده ما باید خود غمشه بخوریم. برق خوده خود. سرک ما همین طور. از نگاه امنیت هر فابریکه [...] فعلا مه ده فابریکه دو گارد دارم به خاطر امنیت خود. یعنی این چیزهایی استند که اصلا به مه ربطی ندارن. از طرف دولت باید آماده شود. اما ده افغانستان این چیزها برعکس اس. تمام موضوعات مربوط به خودت میشه. و جوازکی میته فقط به خاطری که مالیه از پیشتان بگیره و پول بگیره.

حتا ده همی صرفیه ی بل برق ما هم دولت همکار نیس یا حد اقل شرکت های که جدیدالتاسیس اس یک معافیت مالیاتی داشته باشن.

ک: این گپ ها وجود نداره؟

MEWPrivateKabul250718: [نی] وجود ندارن. تا جایی که مه خبر دارم ده زمان داکتر صاحب نجیب و قبل از او فکر کنم برای شرکت های خُرد سه سال معافیت مالیاتی داشتن، شرکت های جدیدالتأسیس. شرکت های متوسط 5 سال و کلان فکر کنم 7 سال و 10 سال بوده.

ک: شما از آغاز کارتان باید مالیه می دادید؟

MEWPrivateKabul250718: ما از آغاز شروع کار ما باید مالیه بتیم. که این یک فشار اضافی اس. که با وجود این قدر مشکلات و سرمایه گذاری جدید و یک بنیاد خوب نداشتن ده مارکیت، ما باید مالیه ره بپردازیم. یعنی این یک فشار اضافی اس سر ما.

ک: نهادهای عام المنفعه؟

MEWPrivateKabul250718: ما فضل خدا الحمدالله مسلمان هستیم. ما یک موضوع به نام زکات داریم. همو موضوع زکات به این کمک های عام المنفعه اس و دیگه اس، فکر کنم مفیدتر واقع میشه. ما موضوع زکاته کوشش می کنیم به حد توان خود و [...] که دقیق محاسبه کنیم زکات خوده همه ساله باید بکشیم و به همین همشهری های خود، به کس های که نیازمند هستن برسانیم. یکی همی موضوع اس و دیگه فکر کنم که شرکت های صنعتی ده افغانستان [...] کس های که صنعتکار هستن اینها خود یک مبارزه ی کلان می کنن. با آن قدر مشکلات و دیگری که اس. و این که شرایط کار ره به همشهری های خود مساعد می سازه، این بزرگ ترین کمک اس.

ک: این طور وقتی شده باشه که احساس کرده باشید که این صنعت ده همین 4 سال از لحاظ مالی باصرفه نیست و قصد کرده باشید که دروازه‌ی شرکت ره خواسته باشید بسته کنید؟

MEWPrivateKabul250718: هر وقت همین طور وقت میرسه [خنده]

ک: علتش چی بوده مثلا؟

MEWPrivateKabul250718: معمولا علتش امنیت اس. بزرگ ترین موضوع بدامنی اس.

یک قصه ی جالب کنم. زمانی که مه همی فابریکه ی [نام فابریکه ی ذوب] مسایل انتخابات بود و مسایل امنیتی هم خراب بود و سیاسی هم خراب بود. حتا آوازه از بن‌بست های سیاسی و دیگر و دیگر [هم] بودند. او زمان مه همی تلویزیون ها ره ده خانه خاموش کرده بودم چون مه ره مأیوس می ساخت. مه نمیتانستم که روی تأسیس همی فابریکه یا روی ساخت همی فابریکه کار کنم. یا مه چینل های مطلق خارجی ره می دیدیم که مه حد اقل از همی اخبار افغانستان با خبر نباشم که چی می گذره چون این [گونه اخبار] مه ره ناامید می ساخت و اراده ی مه ره ضعیف میساخت و احساس می کردم که مه اشتباه می کنم که اینجه سرمایه گذاری می کنم. و کار فابریکه [...] یک فابریکه ی که به 2 میلیون دالر ساخته میشه زمانی که او ره به فروش می رسانه به قیمت آهن کهنه هم نمیشه. یعنی اصلا قیمتی نداره. به خصوص بخش کاری ما که اس. ما زمانی که یک فابریکه ذوب آهن جور می کنیم [...] یکی اگه بازار خوب باشه موضوعش متفاوت اس. ده غیر او صورت تمام همین سرمایه ی ما یا همین 2 میلیون ما 1 لک روپیه هم نکنه.

ک: پس مثل یک جاده ی یک طرفه اس؟

MEWPrivateKabul250718: [دقیقا] جاده ی یک طرفه اس. اگه سرمایه گذاری شد مثل تجارت نیس که ما جنس ره بخریم و به قیمتِ نسبتا کم یا به فایده یا به سر قیمت او ره بفروشیم و پول خوده پس بگیریم. اینجه پول پس گرفته نمیشه. سرمایه گذاری که شد، دیگه شد [راه برگشت نیس].

ک: بازاریابی و فروشات ده کدام شهر؟

MEWPrivateKabul250718: بیشتر فعلا ده کابل اس. جلال آباد و بعضی ولایت ها هم اس. اما بیشترش کابل و جلال آباد اس.

ک: آخرین برای که برای توسعه ی شرکت پول مصرف کردید؟ ماشین، تأسیسات، زمین؟

MEWPrivateKabul250718: معمولا همین کار توسعه ی خوده ده اوف سیزن [off season] میتیم. زمانی که کار ما تعطیل باشه. یعنی زمستان.

ک: پول مصرف کرده اید ده این اواخر که شرکت ره توسعه بتین؟

MEWPrivateKabul250718: بله بله! مه همین زمستان گذشته یک هنگر دیگری برای سکرپ ضرورت داشتم که روی سکرپ باید هنگر دیگری می داشتم. مه روی هنگر مصرف کردم. و بعضی مسایل دیگری هم بود که مه اونجاها هم مصرف کردم.

ک: مارجن مفاد ده یک تُن؟

MEWPrivateKabul250718: گفتم که بازارهای خارجی روی تولیدات ما تأثیرگذار هستند [وردات بیرونی]. یعنی اصلا مشخص نیس که ما چقدر مفاد می گیریم. چون گفتم مشکلات اینجه زیاد استه. حتا بعضی وقت ما نمیتانیم که مصارف خوده دقیق بسنجیم. چون یک ماه قبل تا یک ماه بعد تفاوتش بسیار زیاد اس.

ک: حد اوسط؟

MEWPrivateKabul250718: میشه از 20-30 دالر گفته ده فی تُن تا 100 دالر. یعنی به این اندازه این نوسان داره.

ک: از جمع کارگرها: از خود محل هستن، همولایتی، اعضای خویش و اقارب، همقومی تان؟

MEWPrivateKabul250718: طبعا از خویش و قوم هم اس چون غربت زیاد اس [فقر زیاد اس]. حتما کسی میگن که مثلا بچه ی ما یا کسی ره ده کار بگیرین. داریم. اما کم اس. زیاد متمرکز به او موضوعات نیس. بسیار کم کرده ایم. و از این منطقه ی که فابریکه ده نزدیکی او قرار داره، از هوتخیل هم ما کارگر داریم. ما از ولایت های مختلف کارگر داریم. یعنی اصلا متمرکز به یک نقطه نیس.

ک: طرز استخدام؟ تک تک می زنن یا شما اعلان می تین یا نفر می شناسین؟ میعار چیست؟

MEWPrivateKabul250718: معیار ده بخش های تخنیکی ما بسیار محدود اس. این ره به اساس روابط میشه پیدا کنیم. مثال بیشتر کارگرها یا ده پاکستان تریننگ دیده اند یا کس های استند که بیشتر ده همین بخش فعالیت دارند و بیشتر میتانن اینها ره شناسایی کنن، چون کار ما کار تخنیکی اس و مردم های مسلکی ره نیاز داره، دیگه به روابط [به اساس روابط] پیدا میشه. یک موضوع. و بخش های اداری که بعضی وقت ها ضرورت میشه که [در صورتی که] چندین نفر باشه باز او ره از طریق رسانه های اجتماعی یا هم مثال بعضی سایت هایی اس که برای دریافت کارمندها و دریافت سی.وی هایشان استفاده میشه.

ک: ماشین آلات فقط به درد ذوب آهن می خوره؟

MEWPrivateKabul250718: ماشین آلات ما برای تولید آهن اس [تنها]. ها ما میتانیم ده کنار تولید سیخ گول، انگل آیرن، تی آیرن یا بعضی آهن های سترکچر [structure] اس، و وسایلی که شکل های مختلف داره، حتا آنها ره هم میتانیم تولید کنیم. اما بیشتر از آهن دیگه چیزه نمیتانیم تولید کنیم.

ک: چند ساعت کار می کنید از 24 ساعت؟

MEWPrivateKabul250718: حد اوسط 12 ساعت اس.

ک: شما هم؟

MEWPrivateKabul250718: مه شخصا نه. مه 8 یا 9 ساعت خودم کار می کنم.

ک: بازاریابی رو در رو است یا از طریق انترنت، تلیفون و اینها؟

MEWPrivateKabul250718: محصول تولیدی ما بازار مخصوص خودشه داره. یعنی ما بیشتر به رسانه ای ساختن تولید خود نیاز نداریم. محدود اس. قسمی که برایتان گفتم ما به گونه ی عمده می فروشیم. با اشخاص محدود سر و کار داریم. تمام مشتری های ما شاید از 20 نفر تجاوز نکنه. چون یک تولیدی اس که یک فامیل عادی اصلا به او کار نداره. کس های که بلدر هستن، کس های کار ساختمان می کنن، یا کس های سیخ فروشی و با آهن کار دارند کتی همونها ما ده ارتباط هستیم. همین ها مارکیت ما است.

ک: این طور هم شده که از پول این شرکت ده بخش غیرتولیدی سرمایه گذاری کرده باشید؟

MEWPrivateKabul250718: ما فقط یک فابریکه ی دیگره ره [قطع]

ک: که او هم تولیدی اس؟

MEWPrivateKabul250718: که او هم تولیدی اس. غیر او، نی.

ک: سوال آخر بالای انگیزه یتان: چرا افغانستان، چرا کابل و چرا ده بخش تولید و آنهم ده بخش تولید آهن؟ انگیزه ی اولی که مثلا یک صبح برخاستید و گفتید که می خواهید صنعتکار شوید، چرا همین بخش؟

MEWPrivateKabul250718: نی [خنده] از مه او رقم نبوده که شب خوب کنم و صبح بخیزم بگویم که صنعتکار شوم.

ک: چی رقم بوده پس؟

MEWPrivateKabul250718: مه چون گفتم که فامیلی بزنس اس. از وقتی وقت بوده. یک چیزی که بسیار مهم اس از ما بسیار دوست داریم ده کار صنعت مصروف باشیم. شخصا به کار صنعت بسیار علاقه دارم. و فعالیت صنعت ره مه به رُشد اقتصاد حقیقی افغانستان بسیار موثر می بینم. و یک فعالیتی اس که از فرار سرمایه جلوگیری می کنه. حد اقل مه اگه یادآور بخش تولیدی خود ما شوم، هر خانه ای که جور میشه حدود 10 الی 20 هزار دالر باید سیخ بخرند. یا مواد ساختمانی بخرند. این مواد در قدیم از خارج می آمد. امروز هر خانه ای که جور میشه همو 20 هزار پول خوده دوباره ده افغانستان مصرف می کنه [برای خرید سیخ] که باز دوباره داخلا [ده داخل] سرمایه گذاری میشه و [...] یعنی یک دوران داخلی خوده داره. دیگه به او خاطر.

و صنعت فکر کنم که یک مبارزه ی بسیار کلان اس برای اقتصاد افغانستان. و شاید همین چند بخشی که شما یادآور شدید، که بخش خدمات اس، زراعت اس، و صنعت اس. همین چند بخشی هستند که میتانن به اقتصاد یک کشور سهم داشته باشند و ما از این جمله صنعت ره انتخاب کردیم.

ک: مواد خام تان بیشتر از کجا می آیه؟

MEWPrivateKabul250718: بیشتر مواد خام ما سکرپ یا آهن کهنه اس. این مواد از داخل خود افغانستان تهیه میشه. و مواد کیمیاوی که مثل مگنیز و سیلیکان و مواد و عناصر دیگری که هستن، آنها از خارج می آیند.

ک: تشکر بسیار زیاد!

MEWPrivateKabul250718: تشکر از شما هم!